

رسالت پیامبران

در مقاله پیشین، مهدویت از نظر ادیان الهی و دیدگاه دانشمندان مطرح شد و دیدیم که ادیان گذشته و برخی از دانشمندان معاصر، همه بر اصل ظهور یک انسان کامل برای تحقق عدالت و فضیلت و نجات بشر اتفاق نظر دارند و بر این باورند که مهدویت در حقیقت، مژده بهروزی بشر در مقیاس جهانی است، چرا که این تفکر نویدبخش برقراری عدل مطلق در جهان و محو ظلم و تبعیض و زور و تزویر از ساحت زندگی انسان‌هاست. اگر قرآن را به عنوان سخن گوی تمام پیامبران پیشین و اعجاز ماندگار مذاهب موجود جهان بپذیریم و به عبارت بهتر اگر این کتاب را ترجمان ندای وجدان و مطالبات انسان‌های آزاده و با کرامت بشماریم، باید به دو رسالت مهم انسان که در این کتاب تشریح شده، گردن نهیم؛ زیرا تمام پیامبران الهی این دو رسالت را سرلوحه دعوت خویش قرار داده‌اند: یکی معنویت‌گرایی و دیگری عدالت‌خواهی است.

۱ - معنویت‌گرایی

بشر فطرتاً دین‌باور و معنویت‌گراست. در تمام دوران‌ها انسان‌ها همواره تابع دین و مسلک و به دنبال پرستش خدای یگانه بوده‌اند، لیکن محسوس پرستی و بی‌سوادی و تبلیغات سردمداران شرک آنان را به بت‌پرستی به عنوان مظاهر «الله» دعوت کرده‌اند. پیامبران الهی به برقراری ارتباط بندگان با خدای جهان و به عبارت برتر، سوق افراد بشر به سوی خداپرستی پرداختند و خواستار عبودیت و آزادی آنان از بردگی مظاهر شرک و عبودیت غیر از خدا بودند. این حقیقت را در جمله **لا اله الا الله** که شعار تمام رسولان است، می‌توان یافت؛ چرا که آنان مردم را به توحید در عبادت یعنی یکتاپرستی و این که معبود مقدس و قدرت مطاعی جز الله نیست و نباید باشد، دعوت می‌کردند. از این رو پیامبر اسلام حتی اهل کتاب را نیز به توحید دعوت کرده است: **«قل يا اهل الكتاب تعالوا الي كلمه سواء بيننا و بينكم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شيئاً و لا يتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله»**.^۱ پیامبران الهی به انسان‌ها تأکید کرده‌اند که نباید طوق بندگی غیر خدا را به گردن اندازند و در برابر سایر معبودها خضوع و اطاعت کنند؛ زیرا معبود حقیقی، خالق عالم است و تمام کرنش‌ها و خضوع‌ها باید برای او باشد و بس: **«اف لكم و لما تعبدون من دون الله افلا تعقلون»**.^۲ این آیه با شدیدترین آهنگ بت‌پرستی را محکوم می‌کند. رسولان الهی در واقع خواستار عمل به تعهدات فطری از سوی بشر شده‌اند.

۲ - عدالت‌محوری

برقراری عدالت و تأمین حقوق واقعی همه انسان‌ها رسالت دیگر انبیاست. قرآن می‌فرماید: **«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»**.^۳ ما رسولان خود را همراه معجزات و برهان و میزان و معیارهای عقلانی و کتاب آسمانی فرستادیم تا مردم را متوجه سازند تا خود به عدالت قیام کنند. عدالتی که برگرفته از عقل سلیم و فطرت پاک و برآمده از کتاب و سنت است، خواسته تمام منادیان ادیان و عدالت‌خواهان دنیاست. قرآن نیز به این حقیقت اشاره می‌کند: **«ان الذين يكفرون بايات الله و يقتلون النبيين بغير حق و يقتلون الذين يأمرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب اليم»**.^۴ کسانی که به آیات الهی کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق به قتل می‌رسانند و همچنین مردمی را که به قسط و عدالت دعوت می‌کنند و جانشان را در این راه می‌گذارند، می‌کشند (و هر زمان از کشتن آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان دریغ ندارند)، پس آنان را به عذاب دردناکی نوید ده.^۵

عدالت‌خواهی بشر

میل به عدالت‌طلبی یک احساس دائمی و ذاتی در تمام عصرها و نسل‌ها است؛ چرا که تنها از نوع ساختار جسمانی و روحانی انسان مایه می‌گیرد. امروز دنیا به سوی تحقق عدالت پیش می‌رود. فریاد عدالت‌خواهی آزادی‌خواهان بشر حتی زمامداران جهان پیوسته گوش‌ها را می‌نوازد. آنان مشروعیت و مقبولیت حکومت خود را در تحقق این شعارها می‌دانند؛ چرا که مردم طالب عدالت و رفع تبعیض و ستم‌سوزی‌اند، آن‌هم عدالت راستین، نه به معنای «کار به اندازه طاقت و خرج به قدر احتیاج» که افلاطون گفته است، بلکه عدالت به معنای اعطای به میزان حق هر کسی. به عبارت دیگر، هر صاحب حقی باید به حقوقش برسد و این امری حقیقی است که از استعداد و ظرفیت عقلانی و میل طبیعی انسان برمی‌خیزد و از فعالیت و تلاش به وجود می‌آید.

آرزوی عدالت

در اسلام عدالت مفهوم گسترده و وسیعی دارد که شامل زمین و آسمان و انسان و حیوانات هم می‌شود: **«بالعدل قامت السموات و الارض»**.^۶ عدالت در قانون، فراهم ساختن امکانات مساوی و ساز و کارهای لازم برای همه مردم، تأمین آزادی‌های مشروع، حق اشتغال و اجرای عادلانه سیاست‌های اقتصادی را در تولید و توزیع می‌طلبد. بشر در مقام اجرای عدالت اجتماعی به این معناست و درصدد تحقق این آرزو است که روزی عدالت و کرامت بر تاریخ و سرنوشت جوامع انسانی حکومت کند و جنگ و خون‌ریزی و تبعیض و ظلم از زندگی‌اش برطرف شود

۱. آل عمران (۳) آیه ۶۴.

۲. انبیا (۲۱) آیه ۶۷.

۳. حدید (۵۷) آیه ۲۵.

۴. آل عمران (۳) آیه ۲۱.

۵. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۰۲.

و به جای آن صلح و صفا در میان خانواده‌های بشری گسترش یابد و دنیا هم‌چون شهری آرمانی و مدینه‌ای فاضله اداره شود. هر چند تحقق این آرمان‌های جهانی نزدیک است، لیکن تأملات عقلانی می‌گوید تحقق آن در صورتی امکان‌پذیر است که رهبر صالح و عادل و آگاه با مقبولیت جهانی، ظهور کند و با هم‌باری نخبگان، فرهیختگان، دانش‌مندان و عدالت‌طلبان این خواسته را به منصف ظهور برساند.

مهدویت و امید

اصولاً کمترین نقش اعتقاد به مهدویت در حیات بشر، امید به ظهور حکومت عدل جهانی و نویدبخش یک زندگی مرفه، مترقی و متعالی است. زوال یأس و پوچ‌گرایی از برکات چنین ایمان و اعتقادی است؛ چون این باور مقدس که مطابق عقل و دین است، به خوبی بیانگر آینده روشن و برداشته شدن صف‌بندی‌های قومی و مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی است؛ آرزویی که خواسته وجدان‌های بیدار و حساس انسان‌هاست.

عجز انسان امروز در رفع مشکلات

بسیاری از نواخ سیاسی و اجتماعی بر این باورند که امروزه آحاد ملت‌ها از مسابقات تسلیحاتی کشورهای غرب و شرق به ستوه آمده‌اند و از حکومت‌های استبدادی خسته و ملول شده‌اند. آنان هر روز شاهد تبعیض‌ها، زورگویی‌ها، کشت و کشتارها، تناقضات و شکاف طبقاتی هستند و از این وضعیت رقت‌بار افسرده و فرسوده شده‌اند و راهی برای برون‌رفت می‌جویند. آنان امیدوارند که دستی از غیب برون آید و کاری بکند. آلبوین تافلر، سیاست‌مدار آمریکایی که برای حل بحران کنونی نظریه «موج سوم» را مطرح کرده است^۶ و اعترافات عجیبی دارد، می‌نویسد: «فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. در حال نزاع و فرو رفتن در غرقاب بی‌کفایتی و فساد می‌باشیم. بوی انحطاط اخلاقی هم مشام ما را می‌آزارد و در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته کرد. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی و حتی انقلابی می‌باشند، لیکن بارها و بارها مقررات، قوانین و طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید که همگی به منظور حل مشکلات و خروج از بن‌بست‌ها تهیه و تدوین شده‌اند، کمانه می‌کنند و بر وخامت اوضاع و مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زند که راه حل‌های معمولی ثمری ندارد. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز به دست‌غیبی شبیه به وجود مرد «سوار بر اسب سفید» و سایر ضرب‌المثل‌ها را تداعی می‌کند»^۷

نیاز به رهبر توانا و انسان کامل

در این شرایط جامعه برای تحقق اهداف متعالی خود به رهبری توانا و آگاه به زمان و تمام علوم و بالأخره انسان کامل، بیش‌تر احساس نیاز می‌کند و این ایده و آرمان با ظهور مهدی موعود (عج) بیش از هر کس و هر چیزی تناسب دارد؛ چرا که پیامبر (ص) فرمود: «آگاه باشید که مهدی وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد»^۸

خلق عالم در انتظار حکومت تازه و ظهور عدالت همه‌جانبه و آمدن مصلح دادگری به سر می‌برد که مگر او برون آید و کاری نکند. فقط او می‌تواند بی‌سامانی‌ها را سامان بخشد و پریشانی‌ها را از میان بردارد. این انتظار که از عقل و فطرت نشئت یافته، در اشعار فارسی و عربی و ادبیات جهان انعکاس وسیعی دارد.

خلق از ظلم و ستم خسته شده	مصلح دادگری می‌جویند
شده در گوشه خلوت هر یک	راز دل با دگری می‌گویند
تا به کی این همه خون‌ریزی و جنگ	سر زند زین بشر بی‌فرهنگ

حافظ که به لسان الغیب معروف است، آرمان مستضعفان و مظلومان را به گونه زیباتری به نظم کشیده و آینده بسیار امیدبخشی را فرا راه بشر مظلوم ترسیم کرده و ندای وجدان و خواست فطرت انسان‌ها را به تصویر کشیده است:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید	که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید
از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش	زدهام فالی و فریادرسی می‌آید
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست	این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید
ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس	موسی این‌جا به امید قبسی می‌آید
خبر بلبل این باغ بیرسید که من	ناله‌ای می‌شنوم کز قفسی می‌آید ^۹

شاعر دیگری آرمان بشر را بدین گونه ترسیم می‌کند:

شام سیهم را سحر آید روزی	زان گم‌شده یارم خبر آید روزی
زان دلو تهی که در چه انداخته‌ام	نومید نیم که پُر بر آید روزی

علوم مادی نیز با وجود اختراعات و ابزارهای اطلاعاتی، زمینه انتقال پیام مصلح کبیر را به تمام جهانیان فراهم ساخته است.

فلسفه مهدویت

آرمان مهدویت و ظهور منجی جهان بشریت، آرزویی موهوم، خیالی و ذهنی نیست؛ چنان‌که آرزویی کودکانه هم نیست که هدف فقط انتقام از ستمگران باشد، بلکه واقعیتی است که از سر سویدای انسان مایه گرفته و با عقل و منطق درآمیخته است. یک فلسفه بزرگ جهانی است که

۶ . مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۴۸.

۷ . همان، ص ۴۹.

۸ . نجم الثاقب، ص ۹۳.

۹ . دیوان حافظ..

مبتنی است بر: ۱ - خوش بینی به زندگی سعادت‌مندان بشر و نبود نشدن دنیا، ۲ - پیروزی حکومت عقل بر جهل و سقوط حاکمیت خشم و شهوت، ۳ - غلبه حق و عدالت بر باطل و ظلم و جنایت، ۴ - آغاز حکومت صالحان، پاکان و مستضعفان و پایان حاکمیت فاسدان و زورمندان. پشتوانه این اندیشه، تمام ادیان و مذاهب معروف جهان است که با نوید دانشمندان و نوابغ عالم نیز دمساز و هم‌آهنگ است.

نگاه خوش‌بینانه به تکامل انسان

پرسشی که باید پاسخ داده شود، این است که آیا آحاد و جوامع بشری اکنون به درجه‌ای از تکامل رسیده‌اند که خود زمینه‌ساز این زندگی عالی و آرمانی باشند؟ یا هنوز به این مرتبه نرسیده‌اند؟

بعضی از بدبینان معتقدند که بشر با گوری که خود به دست خویش کنده، چند گام بیش‌تر فاصله ندارد، فشار چند دکمه کافی است که کار زمین و زمان را یک‌سره کند.^{۱۰}

برخی دیگر این حیات معقول را از تکامل ماشین می‌دانند و این معجزه را از بت تکنولوژی می‌طلبند. آنان بر این باورند که به یمن تکامل ابزار تولید، دنیا در جهت تحقق جامعه سوسیالیستی حرکت خواهد کرد. اینان نام آن را سوسیالیسم علمی می‌گذارند و این امر را ناشی از جبر ماشین می‌دانند.

گروهی آینده زندگی انسان را تاریک و سیاه می‌شمارند و معتقدند سران دنیا مردم را با بمب‌های اتمی به نابودی می‌کشاند، بلکه کره زمین را از مجموعه هستی حذف و نابود خواهند ساخت؛ چرا که امروز ابرقدرت‌ها بر کوه‌هایی از باروت نشستند و با فشار دادن یک دکمه به آسانی می‌توانند دنیا را به نابودی بکشاند.

لیکن خوش‌بینان و متفکران که اکثریت قاطع ساکنان کره زمین را تشکیل می‌دهند، می‌گویند در سایه تکامل همه‌جانبه علمی و اخلاقی، بشر به سوی زندگی درخشان و تشکیل «آرمان‌شهر» حرکت می‌کند؛ چرا که قانون تکامل منحصر در پیشرفت‌های علمی نیست، بلکه وجدان، اندیشه، اخلاق و معنویت را نیز در بر گرفته است و این نوع تکامل در حال شکوفایی است. فریاد حقوق بشر، نفرت از جنگ و خون‌ریزی، طرح حکومت واحد جهانی، حمایت از زندانیان سیاسی و آزادی‌های مدنی و دعوت به صلح و گفت‌وگو، نشانه‌هایی روشن بر تکامل بشر در عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی، روحی و معنوی است.

شکفتن خصلت‌های انسانی

از جانب دیگر همان‌گونه که پیشرفت‌های روز افزون علم و تکنیک بسیاری از کارهای ناممکن را ممکن ساخته، روزی نیز فرا خواهد رسید که وجدان و تمایلات انسانی و آرمان‌های انسان‌دوستانه مانند ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی همانند علم و دانش سیر تکاملی خود را به مرحله قابل قبولی برساند و تمام تبه‌ی‌ها و سیاهی‌ها را از زندگی بشر بردارد. اگر امروز دروغ، تقلب، مکر و فریب در ذهن بشر به طور جدی در حال منفور شدن است، می‌توان امیدوار شد که خصلت‌های انسانی در حال شکفتن است؛ چنان‌که حتی بیش‌تر مردم اروپا و آمریکا غالباً دروغ‌گو را قابل معاشرت نمی‌دانند و رئیس‌جمهور آنان از دروغ‌های خود به گونه‌ای آشکار در تلویزیون عذرخواهی می‌کند؛ هرچند که ممکن است او در صد فریب‌کاری هم باشد.

شاهد گفتارم خاطره یکی از هم‌زمان شهید بابایی است. وی که تیمسار خلبان و از دوستان صمیمی و اقوام سببی است، نقل می‌کند: در ایالت فلوریدای آمریکا، دوره خلبانی را می‌گذرانیدم و با یک دانشجوی مسیحی در خوابگاهی زندگی می‌کردم. یک روز با ماشین خود همراه دوستم برای گذراندن تعطیلات به «پنسی کولا»، از شهرهای فلوریدا، رفتیم. اما من با سرعت غیرمجاز حرکت می‌کردم. ناگهان پلیس ماشین ما را متوقف کرد. از من پرسید: آیا می‌دانستید که سرعت شما مجاز نیست؟ گفتم: بله. با تعجب پرسید: پس چرا با این سرعت حرکت می‌کردید؟ گفتم: افرادی ما را تعقیب می‌کردند و من برای این‌که زودتر خود را به پلیس برسانم، بر سرعت خود افزودم. پلیس عذر مرا پذیرفت و گفت: هرگاه چنین خطری را احساس کردید، پلیس در خدمت شما خواهد بود و جریمه نکرد و رفت. در این میان دوستم ساکت نشسته بود و به گفت‌وگوی ما گوش فرا می‌داد و چیزی نگفت؛ اما هنگامی که یک کیلومتر از جایگاه پلیس دور شدیم، دوستم گفت: ماشین را نگهدار، من می‌خواهم پیاده شوم و از این تاریخ دیگر نمی‌خواهم با شما دوست باشم. هر چه گفتم که من از ترس جریمه سنگین، دروغ گفتم. وی عذر مرا نپذیرفت و پیاده شد. وقتی به خوابگاه آمدم، دیدم به مسئول خوابگاه گفته که من به عللی نمی‌خواهم در این اتاق باشم و جای خود را تغییر داده بود. تعجب من در این بود که او دروغ مرا پیش پلیس افشا کرد و نه در خوابگاه علت جدا شدن از من را به کسی بازگو ساخت. در واقع اخلاق اسلامی را عیناً درباره من رعایت کرده بود. این کار او تداعی‌گر همان کلام مولی‌علی(ع) است که فرمود: «**الله الله فی القرآن لا یسبقکم بالعمل غیرکم**»^{۱۱} شما را به قرآن، دیگران در عمل به مضامین آیات بر شما پیشی نگیرند.»

این تیمسار خلبان می‌گفت: در میان مردم فلوریدا و سایر ایالات متحده، به قدری دروغ و تهمت منفور است که از هزار انسان یک تن دروغ‌گو پیدا نمی‌شود: «**فاعتبروا یا اولی الابصار**»^{۱۲}

جداً مایه عبرت و پند است. در حالی که شیعه علوی باید در صداقت و عفت کلام نمونه باشد، اما متأسفانه وعده دروغ و ادعاهای واهی در میان ما معمول و متداول شده است.

خدایا زین معما پرده بردار

سخن سر بسته گفتم با حریفان

۱۰. برتراند راسل از انیشتین نقل می‌کند...

۱۱. نهج البلاغه، ص ۴۲۱.

۱۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۱۰.

نفرت از مکر و فریب و دروغ و محبوبیت عدالت و اخلاق، نشانه همان تکامل فکری و اخلاقی است که آثار خود را در میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نشان می‌دهد. این که سردمداران دنیا دم از حقوق بشر می‌زنند و ظلم و تجاوز را محکوم می‌سازند، به خاطر حساسیت ملت‌های آنان است، وگرنه سیاستمداران غالباً به وجدان اخلاقی اهمیت نمی‌دهند و جز کسب قدرت و تداوم آن فضیلتی را نمی‌شناسند. اگر حکومت اسرائیل، فلسطینی‌ها را به خاک و خون می‌کشد، در واقع به خواسته ملت اسرائیل جامه عمل می‌پوشاند. امروز اغلب ملت‌ها نفرت خود را از جنگ و آدم‌کشی اعلام می‌دارند و به تفاهم و مذاکره بیشتر روی می‌آورند.

تمام این‌ها نشانه شکوفا شدن وجدان و عقل و فطرت انسان‌هاست. روزی خواهد رسید که ملل جهان از حاکمیت عدالت، قانون، و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و گفتگوی سازنده بهره‌مند خواهند شد.

رشد علمی انسان‌ها

روزی فرا می‌رسد که همه در پرتو تکامل و عقل، اندیشه‌های دینی آیین اسلام را به رسمیت بشناسند و با آگاهی و آزادی دین حنیف را بپذیرند؛ چرا که فقط تفکرات اسلامی است که آینده‌ای روشن و عادلانه را نوید می‌دهد و پیشگویی می‌کند که در عصر ظهور، جن و انس با قدرت علم و ایمان، تمام کرات آسمانی را تسخیر خواهند کرد و به مسافرت فضایی خواهند پرداخت. قرآن می‌فرماید: «یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان»^{۱۳} ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می‌توانید از مرزهای کرات آسمان و زمین عبور کنید، پس اگر قدرت دارید، عبور کنید، ولی بدانید که جز با تسلط بر علم و ایمان راستین نمی‌توانید زمین و آسمان را زیر سلطه و نفوذ خود قرار دهید.»

آری، باید بشر در علم و ایمان به اوج خود برسد تا در سایه سلطنت علمی و ایمانی بتواند به کرات آسمانی مسافرت کند. البته این سلطنت علمی و ایمانی فقط در عصر ظهور منجی جهان پیدا می‌شود؛ چرا که در احادیث شیعه و سنی آمده است: کلیه علوم و دانش‌های بشری ۲۷ رشته است و بشر تا کنون به دو حوزه علم دست یافته است و ۲۵ رشته دیگر به وسیله مصلح کبیر حضرت مهدی (عج) ارائه می‌شود؛ از جمله مسافرت به کرات آسمانی و استفاده از منابع زمین و هوا و دریا.^{۱۴}

در احادیث عصر ظهور می‌خوانیم که در سایه پیشرفت علمی، برادری در دورترین نقطه عالم و برادر دیگری در این سوی دنیا یک‌دیگر را می‌بینند و به آسانی با هم حرف می‌زنند و بعد مسافت مانع از گفت‌وگو و دیدن آن دو نمی‌شود. از این‌جا معلوم می‌گردد که در عصر ظهور افراد بشر در تمام رشته‌های علمی و تکنولوژی‌های جدید پیشرفت چشم‌گیر و خارق‌العاده پیدا می‌کنند و به قول انیشتین در آن عصر و زمان است که مغز انسان با تمام ابعادش به کار خواهد افتاد و هدف پیامبران تحقق خواهد یافت: «و یشیروا لهم دوائن العقول»^{۱۵} امام علی (ع) می‌فرماید: «یکی از حکمت‌های بعثت انبیا این است که گنجینه‌های نهفته و استعدادهای عقلانی بشر را برانگیزانند». هنگامی که از تمام ظرفیت‌های عقلانی استفاده شود، مشکلی برای انسان نخواهد ماند.

راز طول عمر انسان

دیری نمی‌گذرد که بشر به راز و رمز طول عمر نیز دست پیدا خواهد کرد؛ به طوری که با کشف و رعایت قواعد بهداشت و اصول تغذیه صحیح، صدها سال در دنیا ماندگار خواهد شد؛ چنان‌که امروز می‌گویند مرگ و میرها، معلول علل و عواملی است که اگر از طریق علم و دانش علل پیری و عوامل مرگ و میرها بررسی شود و بتوان کلیه موانع تداوم زندگی بشری را برداشت، بسا ممکن است عمر انسان‌ها به هزاران سال برسد. دانشمند شهیر آلمانی می‌گوید: «مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست. در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه‌ای، همه نوع هست. آن‌چه طبیعی و فطری است، عمر جاودانی و ابدی است. بنابراین افسانه عمر ۹۶۹ ساله متوشلح^{۱۶} نه مردود عقل است و نه مردود علم. در همین زمان ما میزان طول عمر بسیار بالا رفته است و دلیلی ندارد که بالاتر نرود.»^{۱۷}

برنارد شاو می‌گوید: «از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست این است که برای عمر بشر نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی مسئله مرزناپذیری است.»^{۱۸}

پروفیسور اتینگر می‌نویسد: «به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم، در قرن بیست و یکم بشر خواهد توانست هزاران سال عمر کند.»^{۱۹}

اگر اضطراب و استرس، عدم رعایت بهداشت، پرخوری، کمبود تغذیه، آلودگی‌های محیط زندگی، گازهای گلخانه‌ای، دود ماشین، اعتیاد به سیگار و مواد مخدر و سایر عوامل مرگ‌آفرین در میان نبود، عمر افراد بشر از این محدوده می‌گذشت و او می‌توانست صدها سال در دنیا زندگی کند. بشری که امروز با پیشرفت اندکی از دانش‌های مادی و روحی، از طریق قدرت اسپرتیسم و مانیتیسیم و اسپری توالیسیسم و علوم غریبه، در صدد تسخیر ارواح و موجودات غیبی برای حل مشکلات بزرگ زندگی است، چگونه نمی‌تواند بر طول عمر خود بیفزاید؟! همان نیروهای مرموزی که ستون‌های سنگی و بلند اهرام مصر را در عصر فراغت بالا برده و روی هم گذاشته، با این که در آن روزگار جرقه‌های بالابرد و

۱۳ . الرحمن (۵۵) آیه ۳۳.

۱۴ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۱۵ . محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۲۴.

۱۶ . methuselah.

۱۷ . به نقل از: برنارد شاو در کتاب Bach to.

۱۸ . مجله دانشمندان، سال ششم، شماره ۶، ص ۱۴۷.

۱۹ . همان.

نظایر آن‌ها وجود نداشت. بشر کنجکاو اکنون می‌خواهد بفهمد آن نیروها چگونه تسخیر شدند و اکنون کجا هستند؟ چگونه آن‌ها را باید احضار کرد تا رازهای زندگی را از آنان آموخت؟

مرتاضان هندی چهل روز در بشکه‌ای که دهانه آن قیر اندود شده، بدون هوا و اکسیژن زندگی می‌کنند و با چند عدد بادام به سر می‌برند و در پرتو ریاضت از گذشته و آینده يك انسان خبر می‌دهند. آنان از چه قدرت مکتونی استفاده می‌کنند که با موازین علوم روز و حواس ظاهری قابل توجیه نیست؛ در حالی که قدرت آنان هم واقعیت عینی و قطعی است؟! این نکته نشان می‌دهد که ما هنوز بسیاری از اسرار را نفهمیده‌ایم و علم ما در برابر جهل ما، چنان قطره‌ای است در برابر اقیانوس‌ها. از این رو بی‌شک اگر بشر به نیروهای مرموز درونی و برونی خویش دست یابد، تحولی بی‌سابقه و پیشرفتی بی‌اندازه در جهان به وجود می‌آورد و با ظهور مصلح جهانی و تکامل علمی و معنوی، تمام امکانات طبیعی و نیروهای مرموز غیبی همانند عصر حاکمیت سلیمان نبی به صحنه آورده می‌شود و دنیای دیگری را می‌سازد؛ دنیایی که عدل مطلق بر سراسر زندگی بشر و حتی حیوانات نیز جاری خواهد شد و گرگ و گوسفند با هم مأنوس می‌گردند و در کنار هم زیست می‌کنند. اصولاً مهدی موعود طرحی نو دراندازد و بنای رفیعی از عدل و داد بسازد.

وز شهر الوهی آورد بنا	این قلعه کفر را کند بنیان
سنگ آوردش ز کوی استغنا	خشت آوردش ز قالب وحدت
خشت و در و بام تازه آرد تا	خشت و در و بام او ز هم ریزد
شهریش کند مکان کروی	مانند خلیل خانه‌ای سازد
آراسته‌تر ز نیر اعظم، پیراسته‌تر ز ذروه اعلا	سرحلقه دین و قبله دنیا

رسالت یا کتاب جدید

در احادیث اسلامی آمده که مصلح آینده، مردم را به يك امر تازه و حکومت نوین دعوت می‌کند. در آن عصر و زمان تمام بدعت‌های دینی و سیاسی از میان می‌رود و اسلام ناب محمدی با معیارهای تازه بر جامعه بشری عرضه می‌شود و بشر سرخورده از ادیان کنونی و حکومت‌های سرکوب‌گر با عطش خاصی حکومت اسلامی را با معیارهای جدیدش خواهد پذیرفت. به چند نمونه از این احادیث اشاره می‌کنیم.

۱. «إِن قَائِمًا إِذْ أَقَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَىٰ أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ: ۲۰ هرگاه قائم ما قیام کند، مردم را به امر تازه‌ای دعوت می‌کند». در ادامه می‌فرماید: «وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَىٰ لِلْغُرَبَاءِ؛ ۲۱ همان‌گونه که اسلام در بدو پیدایش غریب بود، به زودی گرفتار غربت خواهد شد. خوشا به حال کسانی که در غربت اسلام به سر می‌برند و به اسلام ناب ملتزم‌اند.»
در روزگار ظهور به قدری آیین محمدی گرفتار بدعت‌ها و تحریف‌ها می‌شود که چهره اصلی خود را از دست می‌دهد و از اسلام جز اسمی و از قرآن جز درسی باقی نمی‌ماند. در آن زمان منکرات معروف و معروف‌ها منکر تلقی می‌شوند. از این رو در حدیث فرموده‌اند که هرگاه مصلح آینده بشر ظهور می‌کند: «بِهِدْمِ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛ ۲۲ تمام مقررات و سنت‌های قبلی را ویران می‌کند؛ همان‌گونه که رسول الله(ص) سنت‌های جاهلیت را از میان برداشت و اسلام را از نو پایه‌ریزی می‌کند». به عبارت دیگر، اسلام رسمی را می‌کوبد و معدوم می‌سازد؛ همان‌گونه که رسول خدا آیین شرک و بدعت‌آمیز یهود و نصارا را منهدم ساخت و دین تازه‌ای را مجدداً از نو شروع کرد.

راوی از چگونگی سیره و سنت رسول خدا در آغاز بعثت از معصوم پرسید، فرمود: «قَالَ ابْطَلْ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبِلِ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ (ع) إِذَا قَامَ يَبْطَلْ مَا كَانَ فِي الْهَدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلُ؛ ۲۳ همان‌گونه که پیامبر سنت‌های جاهلیت را نابود ساخت و مردم را به عدل و داد فراخواند، قائم آل محمد نیز وقتی ظهور کند، آن‌چه در حال صلح و سازش از مقررات دست و پاگیر مسلمان‌ها دارند، از میان برمی‌دارد و برای آنها عدل و داد را به ارمغان می‌آورد». در حدیث دیگر فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) ضَرَبَ فِسْاطِيطَ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلِيًّا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ؛ ۲۴ در قیام قائم آل محمد برای معلمان قرآن خیمه‌ها زده می‌شود تا قرآن را به مردم برطبق نزول آن بیاموزند». منظور، تعلیم و آموزش قرآن با تفسیر و تبیین مفاهیم صحیح است.
در حدیث دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّىٰ يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بَكْتَابِ اللَّهِ لَا يَرَىٰ فِيكُمْ مَنكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ ۲۵ دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر این‌که خداوند مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل کند و منکری در میان شما دیده نمی‌شود، مگر این‌که عکس‌العمل نشان می‌دهد». منکرات را نابود می‌کند، معروف‌ها را برپا می‌سازد و رواج می‌دهد.

* * *

۲۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲۱. همان.

۲۲. همان، ص ۳۵۴.

۲۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۷.

۲۴. الشیخ المفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲۵. الکافی، ج ۸، ص ۳۹۶.